

مقاله پژوهشی

فراموشی منظر، پدیده‌ای مدرن

(با تأکید بر بررسی منظر تاریخی شهرهای سمنان و دامغان)*

امین ماهان^{***}، ضیا حسین‌زاده^۲، محمد شهاب لواسانی^۳، سیده فرزانه احسانی اسکویی^۴، شقایق گلشاهی پرشکوه^۵

رضاروحانیان^۶، کوثر غلامی قادی^۷، کیمیا منصور کیایی^۸، محمد رضایی^۹

۱. استادیار گروه معماری، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

۲. پژوهشگر دکتری، گروه معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، گروه معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۵. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۶. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۷. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۸. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۹. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۱

تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

چکیده | منظر دیسپلینی میان‌رشته‌ای است و در تحلیل فضا، تنها کالبد و فیزیک فضا را مورد توجه قرار نمی‌دهد، بلکه همواره در پی درک و شناخت کلیت و شخصیت فضایی است که در اثر تعامل و کنش و واکنش عوامل بی‌شمار اجتماعی، تاریخی، هویتی، فعالیتی، کالبدی و امثال آنها شکل گرفته است. امروزه بسیاری از فضاهای شهری، حتی شهرهایی که به لحاظ تاریخی سابقه درخشانی در خلق فضاهای با کیفیت و با معنا داشته‌اند، بسیاری از کیفیات فضایی و منظرین خود را از دست داده‌اند. این پژوهش بر آن است تا با مطالعه منابع کتابخانه‌ای و تاریخی و بررسی میدانی منظر تاریخی دو شهر سمنان و دامغان، به‌عنوان شهرهایی که به لحاظ تاریخی در خلق فضاهای شهری موفق بوده‌اند، و با بررسی و تحلیل چندین فضا از این دو شهر به‌عنوان نمونه‌موردی، علل افول منظر در شهرهای ایرانی را شناسایی کند.

واژگان کلیدی | منظر، منظر تاریخی، مدرنیسم، سمنان، دامغان.

کالبد طبیعی و مصنوع محیط ارتباطی معنایی تولید کرده‌اند و در تداوم حیات معقول آنها نقش اساسی داشته‌اند. موضوع اصلی منظر شهری قرائت تفسیر صحیح و در نهایت بازتولید کیفیت‌هایی است که ارزش‌های قدیم و جدید شهر را به هم پیوند می‌زند و موجب حفظ رابطه طبیعی انسان با محیط شهری خود می‌شود و فضایی قابل زیست فراهم می‌آورد (منصوری، ۱۳۸۹). امروزه هویت منظر شهری و خاطرات جمعی به‌وجود آمده از آن برای تمامی انسان‌ها، با فقدان بحث برانگیز روبرو شده، طوری که انسان ارتباط خود را با

مقدمه | منظر به‌عنوان مفهومی نو در جامعه جهانی و ایران به شمار می‌رود. منظر مفهومی پیچیده و چندوجهی است که با رویکردهای متنوع مورد توجه و تعریف قرار گرفته و می‌گیرد (آل هاشمی و منصور، ۱۳۹۶). امروزه منظر با تعاریف جامع و دقیق‌تر به‌عنوان آینه فرهنگ و تاریخ که ابعاد فرهنگی-اجتماعی و زیباشناسانه دارد، مطرح شده است (سلطانی، ۱۳۸۹). شهرها تصویر تفکر، نوع زندگی و تحولات فرهنگی و تاریخی ساکنان خود هستند. منظر شهری، شناخت مفهوم شهر نزد شهروندانی است که در طول تاریخ در آن محیط زیسته‌اند و با

*این مقاله برگرفته از طرح پژوهش «گردشگری منظر بومی سمنان و دامغان»

*** نویسنده مسئول: mahan_landscape@yahoo.com. ۹۱۸۳۱۵۶۲۷۷

است که در سال ۱۴۰۱ به سرپرستی دکتر سید امیر منصوری در پژوهشکده

مکانی که در آن زندگی می‌کرده از دست داده است. این فقدان هویتی نسبت به مکان‌ها و میزان خاطره‌انگیزی آن در فضاهای شهری، مشکلاتی را در هویت فردی و جمعی شهروندان ایجاد کرده و کاهش کیفیت این فضاها را موجب شده است. منظر از گذشته وجه اصلی کیفیت‌بخشی به فضاهای شهری و عامل اصلی ایجاد ذهنیت برای شهروندان بوده و با زندگی مردم عجین بوده است. اما امروزه افول کیفیت منظر در شهرهای ایرانی، حتی شهرهایی که به لحاظ تاریخی سابقه درخشانی داشته‌اند، مشاهده می‌شود. بنابراین این پژوهش بر آن است تا علت یا علل این افول را در منظر شهرهای ایرانی مورد بررسی قرار دهد.

پیشینه پژوهش

حسین‌زاده و همکاران در مقاله‌ای منظر شهرهای ایرانی را مورد توجه قرار داده‌اند، اما توجه ایشان معطوف به ارزش‌ها و نقش‌های بام در شهرهای ایرانی بوده است (حسین‌زاده، شکوه و مهربانی گلزار، ۱۴۰۰). ابرقویی فرد و منصوری (۱۴۰۰) نیز در مقاله‌ای شهرهای ایرانی را مورد بررسی قرار داده‌اند که تمرکزشان در این مقاله بر سازمان فضایی شهرهای ایرانی بوده است. درخش و باصولی (۱۴۰۰) در مقاله دیگری به بررسی شهرهای ایرانی پرداخته‌اند و به نقش سقاخانه در منظر شهرهای ایرانی توجه کرده‌اند. فرزین (۱۳۸۹) در مقاله خود شهر ایرانی را مورد بررسی قرار می‌دهد و به نقش زیارتگاه‌ها در شهر می‌پردازد. معصومی (۱۳۸۸) نیز در پژوهشی در بررسی ارزش‌های شهر ایرانی به تأکید بر مفهوم محله می‌پردازد. در این میان پژوهشی که به بررسی شهرهای ایرانی با تأکید بر نقش منظر تاریخی و علل افول آن پرداخته باشد، دیده نمی‌شود. لذا در این پژوهش نگارندگان بر آن هستند تا با بررسی منابع کتابخانه‌ای و بررسی میدانی، این مهم را مورد بررسی قرار دهند.

مبانی نظری

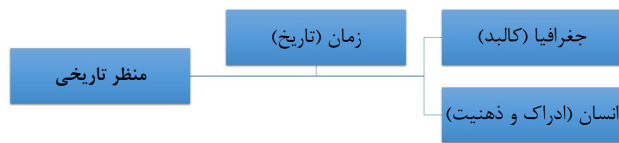
• منظر

شهر تنها در کالبد خلاصه نمی‌شود، بلکه علی‌رغم اقدامات کالبدی صرف در شهر، روحی در آن جاری است که همزمان و توأمان حاصل تعاملات اجتماعی و حیات مدنی در فیزیک و کالبد شهر است. حال آنکه معماری منظر، دیدگاهی جدید در رابطه با انسان و محیط ارائه می‌دهد که به تفسیر فضا می‌پردازد و از مکان به‌عنوان وجود واحدی یاد می‌کند که دو بخش بیرونی و درونی آن قابل تفکیک نیستند. بنابراین، فهم عمیق معماری منظر، کمک شایانی در ادامه حیات شهرهای امروزی دارد. طبیعت و محیط نیز نقش مهمی در محتوای منظر و مفهوم آن و درک مردم از آن دارد. از این رو

منظر پدیده‌ای است عینی-ذهنی که در اثر توجه به محیط با هدف مطلوب‌ساختن فضاهای بیرونی و محیط، برای انسان به‌کار می‌آید (زندیه و سحرخیز، ۱۳۹۷). نگرش نوین «زمان-مکان» نظامی جدید در تحلیل مسائل مربوط به محیط است که معنی جدید منظر را پایه‌ریزی می‌کند. منظر در این نگاه، پدیده‌ای جغرافیایی و کالبدی نیست که تحلیل‌گر به تفسیر ویژگی‌های مورفولوژیک و ریخت‌شناسانه آن بپردازد. تعاریف نوین از منظر، مبین ضرورت اصلاح دیدگاه‌ها و روش‌های عامیانه در این زمینه است (سلطانی، ۱۳۸۹). منظر پدیده‌ای است پویا که از یک‌سو متأثر از انسان و نحوه ارتباط او با محیط است و از سوی دیگر تداعی‌خاطراتی است که در طول زمان در بستر محیط روی داده و بر ارتباط انسان و منظر تأثیر گذاشته و به دنبال آن، فرهنگ و تمدن آدمیان را تغییر داده است. منظر را از یک‌سو نمی‌توان تنها در کالبد خلاصه کرد، چون منظر کیفیت و معنا را هم در بر دارد و از سوی دیگر نمی‌توان مفهومی تجریدی و انتزاعی دانست، چون از طریق کالبد و حواس فهم می‌شود. لذا در برداشتی متعالی منظر پدیده‌ای است که به‌واسطه ادراک ما از محیط و تفسیر ذهن، توأمان حاصل می‌شود و بنابراین پدیده‌ای عینی-ذهنی است (ماهان و منصوری، ۱۳۹۶).

• منظر تاریخی

شهر محصول یکجانشینی انسان و تکامل مفاهیم بنیادی ذهن او (منصوری، ۱۳۸۹) و ارتباط دوسویه انسان و محیط در طول تاریخ است. همچنین دستاورد تمدن بشر، ذهن انسان و حاصل زندگی گروهی و توسعه روح جمعی انسان‌ها در طول زمان در بستری از نظام طبیعت به شمار می‌رود. در این میان طبیعت، به‌عنوان بستر پذیرای انسان و زندگی او با انتخاب‌شدن و آمیختن با تاریخ انسانی و نظم بشر معنا پیدا کرده و تشخص گرفته است. از این رو با حضور انسان گره‌خورده و مکان زیستن شده است. منظر شهر نیز با خوانش لایه‌های متفاوت عینی و ذهنی محیط و شناخت لایه‌های شکل‌دهنده به آنها، قابلیت کنترل و مدیریت فضای زیست انسان شهری را در نظم طبیعی فراهم می‌کند. در نتیجه منظر شهر از برهم‌کنش بُعد اکولوژی شهر (طبیعت) با تاریخ آن و ادراک آن توسط شهروندان به‌وجود می‌آید و معنای محیط و پایداری مکان را تضمین می‌کند. به عبارت دیگر منظر شهر، تفسیری از تلاقی تاریخ و طبیعت است. نقاط تلاقی تاریخ و طبیعت در شهر با داشتن لایه‌های ذهنی و عینی متفاوت از جمله حضور پیشین طبیعت به‌عنوان بستر زیرین و پس از آن انسان و فرایندهای او از جمله «تاریخ سکونت»، «حوادث و رویدادهای اجتماعی» و «خاطرات انسانی»، مکانی با معنی را در شهر به‌وجود می‌آورد (رفعت، ۱۳۹۲). شهر محصول مستقیم جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند و گوناگونی منظر شهرها در تاریخ و



تصویر ۱. عناصر اصلی شکل‌دهنده به منظر تاریخی. مأخذ: نگارندگان.

پایه‌گذاری شده است (آل هاشمی و منصور، ۱۳۹۶). در عصر مدرن، پیچیدگی وجوه عینی و ذهنی منظر باعث شده رشته‌های علمی که در جهان دوقطبی دکارت به وجود آمده و رشد کرده‌اند، منظر را به مفهومی تک‌بعدی تنزل داده و آن را به‌طور انتزاعی در وجوه عینی یا ذهنی جستجو کنند (ماهان و منصور، ۱۳۹۶). تفکرات مدرنیستی و جزء‌نگر در دهه‌های گذشته سبب شده تا شهر به‌مثابه پدیده‌ای پویا، شادابی و سرزندگی خود را از دست داده است. نگاه کالبدی و دوقطبی باعث عدم ایجاد حس مکان و در نتیجه عدم شکل‌گیری فضاهای جمعی سرزنده شده است. متأسفانه در شهرسازی امروز به مقوله مکان یا اصلاً توجه نمی‌شود یا اگر بخواهد مدنظر قرار گیرد، تنها به‌مثابه ابژه‌ای صرف به آن نگاه می‌شود؛ ابژه برای سوژه‌ای که در مقابل آن است، نه همراه آن (مرتاض مهربانی، منصور و جوادی، ۱۳۹۶). شهرهای تاریخی عموماً محصول نوعی مشارکت بین عامه مردم و دستگاه حکومت بوده‌اند. در دوران تاریخی به دلیل همخوانی جهان‌بینی بخش عامه و طبقه قدرتمند جامعه، تفاوت چشمگیری بین سلیقه و نگاه آنها وجود نداشته است و در نتیجه، تصمیمات و اقدامات این دو گروه نسبت به شهر به نوعی هماهنگی پایدار منتهی می‌شد. اما با ظهور مدرنیته در جامعه ایرانی و از دوره قاجار، میان دستگاه قدرت و طبقه عامه نوعی شکاف در دیدگاه‌ها پدید می‌آید که به شکل‌گیری رویکردهای یک‌جانبه‌گرایانه در ارتباط با سیاست‌های شهرسازی منتهی می‌شود. در دوره قاجار این سیاست‌ها عمدتاً به فضاهای حکومتی محدود است اما از دوره پهلوی این سیاست‌ها به تغییرات در بافت‌های مسکونی شهری منجر می‌شود بدون آنکه به نقش مردم در این فرایند توجه شود (مقصودی، ۱۳۹۸).

بحث

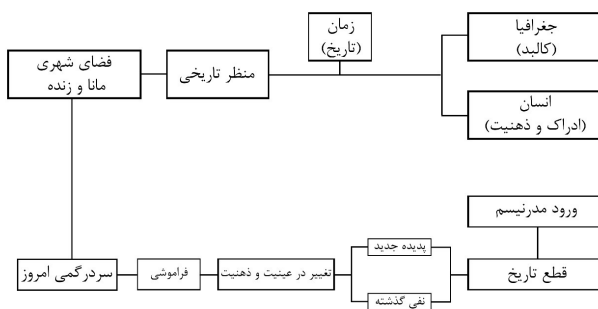
با توجه به آنچه مطرح شد، روند شکل‌گیری منظر در بستر زمان و جغرافیا و در تعامل پیوسته ساکنین با عناصر مصنوع و طبیعی شهرهای خود بوده که منجر به شکل‌گیری منظر در طول تاریخ شده است. تداوم و پیوستگی فرم مواجهه انسان و محیط، بستر ذهنی مردم را شکل می‌دهد و ساختار کالبدی را ساماندهی می‌کند. لذا منجر به تداوم منظر در طول تاریخ

جغرافیای جهان، معلول اندیشه متفاوت مدنی جوامع است. لذا منظر شهر می‌تواند معیاری باشد جهت بررسی روند تحولات جامعه و فهم اندیشه مدنی آن در طول زمان. بستر تاریخی و جغرافیایی در پدید آوردن ذهن مخاطب نقش اصلی دارند. «منظر، در محل تلاقی تاریخ و جغرافیا پدید می‌آید». مکان یک امر فیزیکی نیست و نمی‌تواند با جا، نقطه جغرافیایی و محل یکی انگاشته شود. هر نقطه‌ای بر روی محل تلاقی این دو محور نمایانگر وقوع یک حادثه در یک جاست که منجر به پیدایش مفهوم، تجربه مشترک افراد و هویت افراد در آن محل می‌شود، که به واسطه وقوع آن حادثه درهم آمیخته است. تلاقی تاریخ و جغرافیا منجر به پیدایش مفهومی است که بشر امروز آن را منظر نام می‌نهد. منظر آن جایی است که در آن حادثه‌ای رخ داده و رویدادی اتفاق افتاده است (منصور، ۱۳۹۴).

نظریه منظر از جمله چارچوب‌هایی است که دو وجه اساسی معنا و کالبد شهر را مد نظر قرار می‌دهد. در تئوری منظر، ارتباط متقابل انسان با محیط طرح می‌شود که نتیجه آن، معنی محیط در اثر تعامل تاریخ و جغرافیاست. همچنین بنیان‌های نظری منظر، بیان می‌دارند که سبب تجربه فعالیت‌های انسانی در کالبد محیط، معنایی پدید می‌آید که محصول تعامل انسان با محیط (تاریخ با جغرافیا) است. از این رو این فعالیت‌ها خاطراتی را در ذهن به وجود می‌آورند که ممکن است فردی یا جمعی باشد (نگارستان، تیموری و آتشین‌بار، ۱۳۸۹). لذا واقعیتی با نام «منظر شهری» تنها در کالبد، تناسبات و ابعاد مورفولوژیک خلاصه نمی‌شود. حس تعلق به شهر برای ساکنین، در اثر گذشت تاریخ و تجربه است که ایجاد شده و تقویت می‌شود و گرنه کالبد بدون تجربه تاریخ تنها می‌تواند فرم زیبا داشته باشد (آتشین‌بار، ۱۳۸۸). بنابراین، در یک جمع‌بندی کلی، با توجه به تعاریف و توضیحات مطرح شده توسط صاحب‌نظران در حوزه منظر، می‌توان عناصر اصلی تشکیل‌دهنده منظر تاریخی را در تلاقی و برهم‌کنش دو عنصر جغرافیا و انسان در طول زمان (تاریخ) تعریف کرد (تصویر ۱).

• منظر و مدرنیسم

در این بخش به بررسی این موضوع پرداخته شده است که چه عامل یا عواملی موجب به عدم تداوم منظر تاریخی شهرهای ایرانی و ماندگاری کیفیت‌های منظرین آنها شده است. لذا در ادامه مطالبی در این راستا مورد بررسی قرار گرفته است. از دوره رنسانس با شکل‌گیری سوژه مطلق مدرن و بروز دوقطبی سوژه و ابژه، منظر به‌عنوان ادراک و بازنمایی زیباشناسانه و فردگرایانه از یک بخش از زمین و طبیعت متولد شد و بیانی است از «تقسیم بزرگی» که توسط خرد و عقل مطلق مدرن کلاسیک میان انسان و جهان، ابژه و سوژه، طبیعت و فرهنگ



تصویر ۲. عوامل تشکیل‌دهنده منظر شهری زنده و مانا و اثرات ورود مدرنیسم بر آن. مأخذ: نگارندگان.

عناصر کالبدی، تحولات تکیه‌ها و مساجد در منظر شهری سمنان و دامغان مورد بررسی قرار گرفت.

• عناصر محیطی

- نمود آب در منظر تاریخی شهر سمنان

آب مورد نیاز شهر سمنان توسط رودخانه‌ای دائمی که از کوه‌های سنگسر و شه‌میرزاد سرچشمه می‌گرفته، تأمین می‌شد. رودخانه پیش از ورود به شهر به پنج شعبه تقسیم می‌شود و اساس شکل‌گیری ساختار شهر و منظر شهری محلات سمنان را به‌وجود آورده است. محلات با اسامی شعبه‌های رودخانه مانند لتی‌بار و شاه‌جوی نام‌گذاری شده‌اند و منظر شهر متأثر از جریان حرکت جویبارها در کوچه‌ها شکل گرفته است (تصویر ۳). از سویی دیگر آب جاری در جوی‌ها در پایین‌دست در حوضچه‌هایی وسیع جمع‌آوری می‌شدند و منبعی مناسب برای تأمین آب مزارع پایین‌دست فراهم می‌آوردند. این فضاها همچنین نقشی تفریحی، اقلیمی و منظرین در شهر ایفا می‌کردند. از این رو منظر تاریخی شهر سمنان، به‌عنوان یک شارباغ، در ساختار اولیه تلفیقی منسجم از آب، گیاه و دانه‌بندی معماری بوده که در قالب یک سیستم پایدار زیست می‌کرده است. لذا ذهن مردم با آب عجین بود و آن را عنصری حیاتی تلقی می‌نمود و کالبد و عینیت فضا نیز تحت تأثیر آب و جهت جریان آن شکل گرفته بود. با این حال، توسعه شهری به شیوه مدرن، نحوه مواجهه مردم و آب را تحت تأثیر خود قرار داد. مدیریت شهری آب را از منظر شهر حذف کرده و آن را لوله‌کشی نمود. طرح‌های شهری جهت توسعه شهر را در زمین‌های پایین‌دست در نظر گرفت و عملاً مزارع تبدیل به بافت شهری شدند، هرچند این بار، آب نقشی در شکل‌دهی به منظر جدید نداشت و الگوی پیشین فراموش شد. حوضچه‌های آب نیز به تدریج نقش و ضرورت خود را از دست داده‌اند و صرفاً به عنصری تزئینی در شهر تبدیل شده‌اند. از سوی دیگر ارتباط ذهنی ساکنین و آب نیز دچار تحول شد و مصداق عینی از دل برود هر آنکه از دیده رود، شکل گرفت. آب که از چشم ساکنین پنهان شد، دیگر نقش و اهمیت خود را نزد آنها از دست داد. آب که زمانی در تمام

می‌شود و منظرین مانا را پدیدار می‌سازد. بروز این مانایی هم در ذهن مخاطب بوده و هم در کالبد (عینیت) فضا، که تداوم در این عینیت و ذهنیت، به مرور زمان موجب ایجاد الگوها و کهن‌الگوها، آداب و رسوم و سنت‌هایی می‌شود که در زندگی مردم جریان دارد. اما روی دیگر این مسئله، فراموشی است. پدیده‌ای متفاوت که با پیدایش مدرنیته و نکوهش تاریخ، پس از قرن نوزدهم در جهان ظهور پیدا می‌کند. یک انقطاع تاریخی که نو شدن را توصیه کرد و مانعی برای تداوم و تکرار شد. لذا فرم‌های جدید را شکل داد و سعی در پیدایش الگوهای جدید در ذهن انسان نمود. الگوهای گذشته را در ذهن مردم کمرنگ کرد و رابطه آنها با تاریخ را منحصر به کالبدهایی بی‌روح و موزه‌هایی نمایشی تقلیل داد. منظر نیز که وابستگی کامل به ذهن انسان و کالبد محیط دارد، طی این فرایند شروع به تغییر نمود و کهن‌الگوهای خود را فراموش کرد. در ایران نیز با ظهور تفکرات مدرنیستی به‌ویژه از عصر قاجار، منظرین که از انطباق لایه‌های تاریخی، انسانی (ذهنی) و جغرافیایی، به‌عنوان یک پدیده عینی-ذهنی و ماندگار شکل می‌گرفت، کم‌کم جای خود را به کالبدهایی بدون معنا و جدا از روح و ذهن جامعه می‌دهد. لذا در ارتباطی دوسویه، از یک طرف با همه‌گیری تفکرات مدرنیستی، به‌ویژه در ذهن مسئولان، بافت‌های زنده شهری مورد تخریب، نابودی و یا چندتکه‌شدن قرار گرفت و از سوی دیگر، تخریب‌های صورت گرفته، موجب فراموشی و ارزش‌های منظرین فضاهای شهری شد (تصویر ۲). از جمله این تحولات می‌توان به کمرنگ شدن قداست آب و از بین رفتن ارتباط نزدیک با آب و لمس آن در فضاهای شهری، از بین رفتن نقش تکیه‌هایی که به‌عنوان مراکز محله و ارتباطات اجتماعی شهروندان عمل می‌کردند، از بین رفتن کلیت و پیوستگی فضایی فضاهای اصیل ایرانی و بسیاری موارد دیگر، اشاره کرد.

بررسی منظر تاریخی سمنان و دامغان

چنانچه در بخش‌های قبل بیان شد شهرهای تاریخی ایرانی با تأکیدی بر ذهنیت مردم از شهر شکل می‌گرفتند و همین امر موجب می‌شد که با گذشت زمان و استمرار الگوها، منظرین تاریخی و ماندگار را شکل بدهند که نسل به نسل منتقل می‌شد و هر نسل چیزی بر آن می‌افزود. اما این سیر از دوره قاجار و ورود مدرنیسم رو به افول نهاد و امروزه کاملاً از بین رفته است. در این بخش نگارندگان برآنند تا با بررسی مؤلفه‌های عینی و ذهنی منظر در چارچوب عناصر محیطی و کالبدی شهرهای سمنان و دامغان به‌عنوان نمونه‌موردی، به بررسی این مهم بپردازند. در بخش عناصر محیطی، به بررسی نقش آب در منظر تاریخی شهر سمنان و همچنین گیاه در منظر تاریخی چشمه‌علی دامغان پرداخته شد و در بخش

منظر و سابقه مکان و صرفاً با نگاهی کالبدی-عملکردی رخ داده است. ساختار ارگانیک چشمه‌علی که تداوم و پیوستگی سه عنصر منظرین آب، درخت و کوه را به نمایش می‌گذاشت و امکان تعامل پیوسته انسان را با آنها برقرار می‌کرد؛ امروز با ساختاری هندسی جایگزین شده است. بستر طبیعی چشمه زنده‌کشی شد و ارتباط با آب قطع شد، گیاهان تیریزی با عمر کوتاه جایگزین درختان چنار گردید و با نظمی هندسی غرس شدند، بستر کوهستان، سکوسازی شد و عمارتی برای خوش‌گذرانی شاهان در میانه آب برپا شد (تصویر ۴). از این روست که ذهن انسان ایرانی در دوگانگی سنت و مدرنیته سردرگم است. از یک‌سو آب هنوز سرچشمه حیات است و نماد پاکی و درخت را ارزشمند می‌داند و نماد استواری و حیات. از این رو مکان برایش مقدس است و برای استجابات حاجات دخیل می‌بندد و از سوی دیگر شأن و احترام مکان را فراموش می‌کند و از آن به‌عنوان یک پارک و تفرجگاه که هرگونه فعالیت‌هایی در آن مجاز است، استفاده می‌کند. لذا منظر تاریخی چشمه‌علی و الگوهای تعریف‌شده در منظر ایرانی با ورود تحولات مدرن تغییر شکل یافت.

• عناصر کالبدی

- تکیه‌های سمنان

تکایا مکانی با پایگاه معنوی-سنتی و عناصری جدایی‌ناپذیر از کالبد فیزیکی اغلب شهرها و روستاهای ایران هستند (محمود آبادی و بختیاری، ۱۳۸۸). تکایا، فضاهایی عمومی‌اند که به‌عنوان مرکز محله، علاوه بر کارکردهای آیینی خود، محل مکث، استراحت، خرید از حجره‌های اطراف، تجمع و تعامل اهالی و تشکیل شوراهای آبیاری برای تعیین سهم و تقسیم آب در محلات بوده‌اند (آل هاشمی، ۱۳۹۹). تکایا در شهر سمنان نیز به‌طور سنتی نقش‌های آئینی و اجتماعی فراوانی داشته‌اند و معمولاً مرکز محلات و نقاط عطف را در راسته بازار شکل می‌داده‌اند و از این طریق نقش مهمی در منظر شهر ایفا



تصویر ۴. طرح کاشت جدید اعمال شده در چشمه‌علی به صورت خطی و منظم و برخلاف طرح کاشت نامنظم قدیمی. عکس: ضیا حسین‌زاده، ۱۴۰۱.



تصویر ۳. از محدود آثار باقی‌مانده از نقش‌آفرینی آب در کوچه‌های شهر سمنان. عکس: ضیا حسین‌زاده، ۱۴۰۱.

شئون زندگی نقش‌آفرین بود، در نگاه مدرن نقشی عملکردی به خود گرفت. در این طرز نگاه با تأمین آب آشامیدنی ساکنین، نیازها برطرف می‌شود. این درحالی است که آب در تاریخ، علاوه بر عملکرد، الگوهای ذهنی مردم ایران را به‌وجود آورده است و شکل‌دهنده آیین و رسوم بوده است. لذا این عنصر که زمانی، علاوه بر تأمین نیازهای عملکردی شهروندان، به شهر حیات می‌بخشید و نزد شهروندان شأن و منزلتی والا داشت، کم‌کم جایگاه ذهنی و معنایی خود و همچنین نقش حیات‌بخش خود در منظر شهر را از دست داد.

- تنزل جایگاه منظرین آب و درختان چنار در چشمه‌علی

چشمه‌علی در دره‌ای از شمالی‌ترین کوه‌های دامغان واقع شده و قدمت آن به پیش از اسلام می‌رسد. مجموعه‌ای که جایگاهی آیینی-عملکردی نزد مردم و دولتمردان داشته و در دوره‌های مختلف تاریخی به‌خصوص نزد شاهان صفوی و قاجار مورد توجه بوده است. چشمه‌علی نیز مانند سایر مکان‌های ایرانی از سه‌گانه ایرانی تبعیت می‌کرده است و به لحاظ تاریخی از همجواری چشمه، درختان چنار و یک چهارتاقی شکل گرفته است. در شمال چشمه و درست در محل تلاقی آن با تپه-کوه آب در شمال، دو درخت چنار قدیمی وجود دارد. از قداست این مکان همین بس که مردم در محل سرچشمه آب به ریشه‌های درختان چنار دخیل می‌بندد و از خداوند برآوردن حاجات خود را می‌طلبند. نکته قابل تأمل، محل بستن دخیل‌هاست. گویی انسان ایرانی آب و گیاه را منشأ حیات می‌داند و در محل تلاقی این دو که از قضا سر منشأ حیات هریک از آنها نیز هست، گره از مشکلاتش باز می‌شود. با این حال چشمه‌علی نیز مانند سایر فضاهای ایرانی با ورود مدرنیته تحت تأثیر قرار می‌گیرد و مداخلات عینی و ذهنی گسترده در آن رخ می‌دهد. بیشتر آثار مصنوع در مجموعه، همچون هندسی‌شدن استخر، کوشک داخل آن، عمارت فتحعلی‌شاه و بنای قراولخانه مربوط به تغییرات دوره قاجار است. این تغییرات بی‌توجه به هویت

به یکدیگر بود، به‌عنوان عنصری مجزا و تک‌افتاده از شهر نقش خود را از دست داده است و در رقابت با پاساژها و مراکز تجاری نوساز بازنده محض بوده است. از این رو امروزه منظر تاریخی سمنان دیگر حیات و سرزنگی سابق را ندارد و تبدیل به ویتروینی از چند بنای تاریخی بی‌روح و جدا از هم شده است (تصویر ۶).

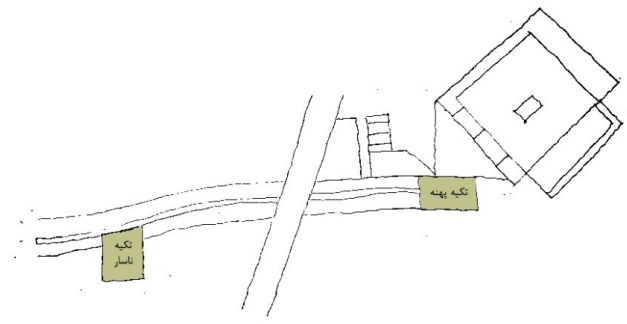
- مسجد تاریخانه دامغان

«مسجد» یکی از عناصر مهم و تأثیرگذار در شهرهای اسلامی است. در تاریخ شکل‌گیری شهرهای اسلامی، مساجد همواره به‌عنوان فضاهای عمومی مهم و مردمی دارای عملکردهای متعدد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و کالبدی بوده و در زندگی مردم نقش محوری داشته‌اند (تقوایی و معروفی، ۱۳۸۹). مسجد تاریخانه یکی از قدیمی‌ترین بناهای شهر دامغان بوده و در جنوب‌شرقی این شهر واقع شده است (آزاد، ۱۳۹۲). لذا چنانچه بیان شد، مساجد از دیگر مراکز تمرکز و تعاملات اجتماعی ساکنین در شهرهای ایرانی محسوب می‌شدند و به عبارت دیگر حیات و زندگی شهری در آنها جریان داشته است. هر چند امروزه نیز در بسیاری از موارد مساجد همچنان نقش پیشین را بازی می‌کند و کم‌وبیش رونق قبل را دارند، با این حال در بسیاری از موارد مشاهده می‌شود که مساجد تاریخی بیش از آنکه مرکز عبادی برای ساکنین باشد، تبدیل به موزه‌های شهری شده‌اند. این موضوع حتی نقضی است بر دیدگاه بازنده‌سازی و احیاء که در حوزه مرمت مطرح می‌شود و مورد توجه مدیران میراث فرهنگی است. مساجد که پتانسیل حضورپذیری مردم را به بهانه مراسم مذهبی دارند، امروزه بر روی مردم بسته می‌شوند و به پوسته و کالبدی فارغ از روح فضا تبدیل شده‌اند. این اقدام نیز از نگاه کالبدی و عینی صرف مسئولین امر به شهر و نادیده گرفتن منظر تاریخی شهر به‌عنوان یک پدیده عینی-ذهنی و در نتیجه حذف وجه معنایی و اجتماعی آن، ناشی می‌شود. از این روست که ساختار ذهنی ساکنین نیز به تدریج وجه کالبدی و عینی مسجد را می‌پذیرد. بدین ترتیب مسجد از مرکز توجه خارج و به فضایی بی‌روح تبدیل می‌شود. این موضوع در مسجد تاریخانه دامغان که یکی از مساجد اصلی و تاریخی شهر دامغان است، به وضوح قابل مشاهده است. حفاظت کالبدی از بنا صورت پذیرفته لیکن روح فضا از مسجد گرفته شده است (تصویر ۷).

با توجه به آنچه مطرح شد و در جدول ۱ قابل مشاهده است، به‌منظر می‌رسد منظر تاریخی شهرهای سمنان و دامغان تحت تأثیر مداخلات کالبدی شدید ناشی از تجددخواهی و نکوهش امر کهنه که به تدریج به امری بدیهی در ذهن مردم و مسئولین تبدیل شده است، دچار آسیب‌های بسیار شده است. هرچند در نگاهی عینی به‌منظر می‌رسد کالبد بنا حفاظت و مرمت شده است، لیکن اکثر آنها تبدیل به کالبدی بی‌روح شده‌اند و

می‌کردند. با این حال امروزه، نقش تکایا به‌عنوان هسته اصلی و مرکز محلات شهر سمنان کمرنگ‌تر شده و صرفاً نقش آیینی خود را در ایام محدودی از سال ایفا می‌کنند. به‌عنوان نمونه، «تکیه ناسار» شهر سمنان، تقریباً در میان راسته اصلی بازار جای گرفته است. این تکیه با چینش عملکردهای مذهبی-تجاری و آب انبار تاریخی در حول یک فضای مرکزی مفصل ارتباطی بین این عملکردها در محله بوده است. قرارگرفتن در محل تقاطع چنین عملکردهایی در محله، به این فضا کیفیت‌هایی چون حضورپذیری و اجتماع‌پذیری داده است؛ چرا که مردم شهر و اهالی محله برای انجام کارهای روزمره ناچار به گذر از آن بوده‌اند. «تکیه پهنه» نیز در بخش انتهایی بازار قرار دارد و در اطراف آن عملکردهای گوناگونی قرار دارد و مانند تکیه ناسار از کیفیت‌های ذکرشده برخوردار بوده است. با این حال امروزه تکایا دیگر نقش پیشین را در منظر تاریخی شهرها و محلات ایفا نمی‌کنند و این موضوع در منظر تاریخی شهر سمنان نیز به‌وضوح قابل مشاهده است. تغییرات مدرن در شهرهای با بافت ارگانیک ایران، با انجام خیابان‌کشی‌های گسترده، موجب قطع گذرهای ارگانیک محلات و جداسازی ناخواسته بافت شهر از یکدیگر شد. گذرهایی که زمانی محل عبور عابرین پیاده بودند و ارتباط محلات و بازار و تکایا به یکدیگر را بر عهده داشتند، با اجرای خیابان‌کشی‌ها گسسته شدند و عبور و مرور به تکیه‌ها و بازار قطع شد (تصویر ۵).

با تغییر مسیر حرکت عابرین و تمرکز حرکت در خیابان‌های اصلی، ساختار ذهنی مردم نیز به تدریج تحولات را پذیرفت و ارزش‌گذاری فضاهای شهری در ذهن ساکنین تغییر یافت. به این ترتیب تکیه‌ها مرکزیت پیشین را از دست دادند. تحولات ذهنی با گسترش و پذیرش معماری نوساز بافت‌های جدید توسط مسئولین و مردم و ترک بافت‌های تاریخی تقویت شد؛ به نحوی که بافت تاریخی به بهانه فرسودگی مورد تهاجم و تخریب قرار گرفت و تبدیل به مخروبه‌هایی در شرایط فعلی شهر سمنان شده است. در این حالت بازار که زمانی قلب تپنده شهر و عنصر اصلی و رشته اتصال دهنده بافت محلات



تصویر ۵. موقعیت دو تکیه ناسار و پهنه نسبت به راسته اصلی بازار و خیابان‌کشی‌های جدید. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۷. عدم جریان زندگی و حیات اجتماعی در مسجد تاریخانه به دلیل نگاه دانه‌ای و کالبدی به منظر شهر. عکس: ضیا حسین‌زاده، ۱۴۰۱.



تصویر ۶. متروک ماندن تکیه ناسار در راسته بازار سمنان، خالی شدن این فضا از فعالیت و ازدست‌دادن نقش اجتماعی خود. عکس: ضیا حسین‌زاده، ۱۴۰۱.

جدول ۱. جمع‌بندی بررسی نمونه‌های موردی. مأخذ: نگارندگان.

آسیب	نمونه مورد بررسی
کمرنگ‌شدن قداست آب و ارتباط شهروندان با آب به دلیل توجه صرف به مسائل کالبدی شهر و فراموشی وجه ذهنی حضور آب در منظر شهری	منظر آب در شهر سمنان
ازبین‌رفتن نقش اجتماعی و مرکز محله‌ای به دلیل عدم درک منظر به‌عنوان یک کل، تخریب بافت و زندگی اطراف و تنها حفظ دانه‌های معماری	تکایای شهر سمنان
برهم‌خوردن نظم و سیستم سه‌گانه منظر ایرانی به دلیل فراموشی وجه ذهنی قداست عناصری چون آب و درخت نزد ایرانیان	چشمه‌علی دامغان
ازبین‌رفتن حیات اجتماعی در مسجد و تنها حفظ کالبد و پوسته آن به دلیل نگاه کالبدی و حذف وجه ذهنی منظر	مسجد تاریخانه دامغان

موجب تسریع دیگری شد. لذا روزبه‌روز کالبد بافت‌های تاریخی در شهرهای مختلف بیش از پیش مورد تخریب قرار گرفت و به تبع آن نقش و ارزش عناصر منظرینی همچون آب، چشمه، درختان کهنسال، چهارتاقی‌ها، تکایا و بسیاری عناصر هویت‌مند دیگر که به لحاظ تاریخی در ذهن مردم وجهی از قداست داشتند، کمرنگ شد. بخشی از تغییر و تحولات صورت گرفته در بافت‌های تاریخی و منظر آنها، اجتناب‌ناپذیر و به دلیل نیازهای جدید زندگی شهری بوده است که از این جمله می‌توان به اجرای سیستم لوله‌کشی آب در فضاهای شهری، ساخت کارخانه‌ها و مراکز صنعتی در حاشیه شهرها و انتقال مراکز کار و تولید به اطراف شهرها اشاره کرد. اما چنانچه در بخش‌های قبل نیز اشاره شد، فضاها و عناصر منظرین موجود در بافت‌های تاریخی، به جز نقش‌های عملکردی، به‌واسطه حضور طولانی مدت خود در بستر جغرافیایی شهرها و نقش‌آفرینی در رویدادها، وقایع و خاطرات مهم مردم، از نقش‌های گوناگون دیگری چون نقش‌های اجتماعی، فرهنگی، آیینی، مذهبی، اسطوره‌ای و هویتی نیز برخوردارند. با تغییرات اولیه صورت گرفته در کالبد و عملکرد این فضاها توسط مسئولین وقت، مردم نیز به دلیل تغییرات فرهنگی و ذهنی ناشی از ورود

به تدریج ماهیت اصلی خود را از دست خواهند داد. منظر تاریخی شهر سمنان و دامغان که زمانی پیوندی ذهنی با مخاطب خود برقرار می‌کرد، امروز تبدیل به ویتروینی بی‌روح از چند بنای مجزا مانند بقعه پیر علمدار و قلعه پانچار شده است.

نتیجه‌گیری

شهرهای ایرانی همواره به دلیل انطباق لایه‌های جغرافیایی (کالبدی) و انسانی (ذهنی) در طول تاریخ، منظری ماندگار و مانا، هم به لحاظ معنایی و ذهنی و هم از جنبه کالبدی داشته‌اند. این روند و تداوم منظر تا قبل از دوره قاجار و ورود مدرنیسم و مظاهرش به ایران برقرار بود، به نحوی که فضاهای شهری، آینه و بازتابی از اعتقادات، باورها، خاطرات و مقدسات مردم آن شهر بود. با ورود به دوره تحول و تغییر نگاه به فضا از یک واقعیت عینی-ذهنی به کالبد و فیزیک صرف و فراموشی وجه معنایی عناصر طبیعی و فضاهای شهری، یک فرایند سریع دوسویه، که یک‌سوی آن تخریب بافت‌های شهری ارزشمند و یا مداخلات ناصحیح در آن و سوی دیگر آن فراموشی بیشتر ارزش‌های منظرین فضاهای شهری در ذهن مردم بود، شکل گرفت که هر یک به‌نوبه خود

مدرنیسم، سایر نقش‌های این فضاها را به فراموشی سپردند و از حفظ آنها غافل شدند. در مجموع می‌توان چنین بیان کرد که امروزه باید این حقیقت را پذیرفت که برخی از نقش‌های عملکردی فضاها و عناصر شهری موجود در بافت‌های قدیمی، قابلیت تداوم در زندگی امروزی را ندارند، اما می‌توان با احیاء

و تقویت سایر نقش‌های آنها و تبدیل بافت تاریخی شهرها به مراکز فرهنگی، اجتماعی و گردشگری، موجبات حضور دوباره و هر چه بیشتر شهروندان و گردشگران را در این بافت‌های تاریخی فراهم آورد و از این طریق بخشی از حیات رفته آنها را احیاء کرد.

فهرست منابع

- ابرقویی فرد، حمیده و منصوری، سید امیر. (۱۴۰۰). بازخوانی مؤلفه‌های سازنده سازمان فضایی شهر ایرانی پس از اسلام در سفرنامه‌های قرن نهم تا چهاردهم هجری قمری. منظر، ۱۳(۵۵)، ۲۰-۲۹.
- آتشین‌بار، محمد. (۱۳۸۸). چیستی منظر شهری در آرای صاحب‌نظران. منظر، ۳(۳)، ۷۳-۷۲.
- آزاد، میترا. (۱۳۹۲). تدام معماری مذهبی ساسانی در مسجد تاریخانه دامغان، تحلیل مقایسه‌ای آتشکده تپه‌حصار و مسجد تاریخانه دامغان. صفه، ۶۱(۶۱)، ۸۵-۱۰۳.
- آل هاشمی، آیدا و منصوری، سید امیر. (۱۳۹۶). منظر؛ مفهومی در حال تغییر، نگاهی به سیر تحول مفهوم منظر از رنسانس تا کنون. باغ نظر، ۱۴(۵۷)، ۳۳-۴۴.
- آل هاشمی، آیدا. (۱۳۹۹). پیوند زیرساخت‌های آبی سنتی و نظام محله‌ای در شهرهای ایران؛ ساختار شهری و زیرساخت آبی در شهر سمنان. هنر و تمدن شرق، ۸(۲۷)، ۵-۱۴.
- تقوایی، علی اکبر و معروفی، سکینه. (۱۳۸۹). ارزیابی نقش مساجد در ارتقا کیفیت محیط، مطالعه موردی: مسجد امیر تهران. مدیریت شهری، ۸(۲۵)، ۲۱۹-۲۳۴.
- حسین‌زاده، ضیا؛ شکوه، سارا و مهربانی گلزار، محمدرضا. (۱۴۰۰). بازشناسی نقش‌های منظرین بام در شهرهای ایرانی. منظر، ۱۳(۵۷)، ۳۸-۵۱.
- درخش، سعیده و باصولی، مهدی. (۱۴۰۰). روایت منظرین سقاخانه در شهر ایرانی. منظر، ۱۳(۵۵)، ۵۴-۶۱.
- رفعت، رسول. (۱۳۹۲). ظرفیت پنهان، بوم‌شناسی تلاقی طبیعت و تاریخ در شهر. منظر، ۵(۲۲)، ۴۴-۴۸.
- زندیه، مهدی و سحرخیز، مهسا. (۱۳۹۷). معماری منظر؛ گستره‌ای بی‌انتهای
- اندیشه معماری، ۲(۳)، ۲۹-۴۳.
- سلطانی، لیلا. (۱۳۸۹). منظر کالبد نیست؛ مروری بر مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص «ضوابط و مقررات ارتقاء کیفی سیما و منظر شهری». منظر، ۲(۶)، ۴۶-۴۹.
- فرزین، احمدعلی. (۱۳۸۹). منظر زیارتی تهران؛ تأملی بر نقش زیارتگاه‌ها در ساخت منظر شهر ایرانی. منظر، ۲(۱۱)، ۲۶-۲۷.
- ماهان، امین و منصوری، سید امیر. (۱۳۹۶). مفهوم منظر با تأکید بر نظر صاحب‌نظران رشته‌های مختلف. باغ نظر، ۱۴(۴۷)، ۱۷-۲۸.
- محمودآبادی، اصغر و بختیاری، سمیه. (۱۳۸۸). بررسی پیشینه تاریخی ابنیه سنتی ایران (با مطالعه موردی تکیه). تاریخ، ۴(۱۴)، ۱۵۱-۱۵۴.
- مرتاض مهربانی، الناز؛ منصوری، سید امیر و جوادی، شهره. (۱۳۹۶). رویکرد منظر در ایجاد سرزندگی خیابان ولیعصر با تأکید بر ایجاد حس مکان. باغ نظر، ۱۴(۵۵)، ۵-۱۶.
- مقصودی، امین. (۱۳۹۸). یک‌جانبه‌گرایی مدرنیستی و سیاست‌های توسعه شهری ایران معاصر. منظر، ۱۱(۴۸)، ۶-۱۳.
- معصومی سلمان. (۱۳۸۸). احیاء محلات شهری پاسخی به نیازهای اجتماعی شهر تهران. منظر، ۱(۵)، ۴۲-۴۳.
- منصوری، سیدامیر. (۱۳۸۹). چیستی منظر شهری. منظر، ۲(۹)، ۳۰-۳۳.
- منصوری، سید امیر. (۱۳۹۴). متن سخنرانی در انجمن علمی معماری و شهرسازی. دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
- نگارستان، فرزین؛ تیموری، محمود و آتشین‌بار. (۱۳۸۹). تئوری منظر، رویکردی بر تداوم هویت در روند نوسازی شهری. باغ نظر، ۷(۱۴)، ۵۹-۶۸.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Tourism of Culture journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

ماهان، امین؛ حسین‌زاده، ضیا؛ لوسانی، محمدشهاب؛ احسانی اسکویی، سیده‌فرزانه؛ گلشاهی پرشکوه، شقایق؛ روحانیان، رضا؛ غلامی فادی، کوثر؛ منصور کیایی، کیمیا و ضایی، محمد. (۱۴۰۱). فراموشی منظر، پدیده‌ای مدرن (با تأکید بر بررسی منظر تاریخی شهرهای سمنان و دامغان). گردشگری فرهنگ، ۳(۹)، ۳۹-۴۶.



DOI: 10.22034/TOC.2022.350901.1087

URL: http://www.toc-sj.com/article_154181.html